



ینس زیمرمن

# هرمنوتیک

## به زبان ساده

مترجم: مجتبیٰ پردل



|                      |                                                                                                                                      |
|----------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه              | : تسیرمان، ینس، ۱۹۶۵ - Zimmermann, Jens. م.                                                                                          |
| عنوان و نام پدیدآور  | : هرمنوتیک به زبان ساده /ینس زیمرمن ؛ [مترجم] مجتبی پردل.                                                                            |
| مشخصات نشر           | : مشهد: ترانه: دانیال دامون، ۱۳۹۹.                                                                                                   |
| مشخصات ظاهری         | : ۲۰۴ص.                                                                                                                              |
| شابک                 | : 978-600-706192-3                                                                                                                   |
| وضعیت فهرست نویسی    | : فیا                                                                                                                                |
| یادداشت              | : عنوان اصلی، Hermeneutics : a very short introduction, 2015.                                                                        |
| یادداشت              | : کتاب حاضر با عنوان «هرمنوتیک: درآمدی بسیار کوتاه» با ترجمه ابراهیم فتوت توسط انتشارات کتاب کوله پستی در سال ۱۳۹۸ به چاپ رسیده است. |
| یادداشت              | : نمایه.                                                                                                                             |
| عنوان دیگر           | : هرمنوتیک: درآمدی بسیار کوتاه.                                                                                                      |
| موضوع                | : هرمنوتیک                                                                                                                           |
| موضوع                | : Hermeneutics :                                                                                                                     |
| شناسه افزوده         | : پردل، مجتبی، ۱۳۶۴ - مترجم                                                                                                          |
| رده بندی کنگره       | : BD ۲۴۱                                                                                                                             |
| رده بندی دیویی       | : ۲۱/۶۸                                                                                                                              |
| شماره کتاب شناسی ملی | : ۶۲۱۶۵۸۶                                                                                                                            |

ینس زیمرمن

# هر منو تیک به زبان ساده

مجتبی پُردل

این کتاب ترجمه‌ای است از:

*Hermeneutics: A Very Short Introduction*

By Jens Zimmermann

Oxford University Press, 2015



انتشارات ترانه

هرمنوتیک به زبان ساده

ینس زیمرمن

ترجمه: مجتبی پُردل

---

ناشر همکار: دانیال دامون

چاپ اول: ۱۳۹۹، شمارگان ۸۰۰ جلد

۳۵۰۰۰ تومان

صفحه آرای: رحمان اسدی

لیتوگرافی و چاپ: ایران زمین

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۶۱-۹۲-۳ ISBN: 978 - 600-7061-92-3

کلیه حقوق برای انتشارات ترانه محفوظ است.

مشهد، میدان سعدی، پاساژ مهتاب - تلفن ۳۲۲۸۳۱۱۰

## فهرست مطالب

|     |                                          |
|-----|------------------------------------------|
| ۱۱  | .....مقدمه                               |
| ۱۳  | .....فصل یکم: هرمنوتیک چیست؟             |
| ۳۷  | .....فصل دوم: هرمنوتیک: تاریخچه‌ای مختصر |
| ۶۳  | .....فصل سوم: هرمنوتیک فلسفی             |
| ۸۵  | .....فصل چهارم: هرمنوتیک و علوم انسانی   |
| ۱۰۵ | .....فصل پنجم: هرمنوتیک و الهیات         |
| ۱۳۹ | .....فصل ششم: هرمنوتیک و قانون           |
| ۱۶۳ | .....فصل هفتم: هرمنوتیک و علم            |
| ۱۸۳ | .....ضمیمه                               |
| ۱۹۷ | .....مراجع و منابع                       |
| ۲۰۱ | .....برای مطالعه بیشتر                   |
| ۲۰۴ | .....نمایه                               |

## فهرست تصاویر

- ۱- هرمس، پیام‌رسان خدایان، ..... ۱۷
- ۲- ارتباط و تفسیر ..... ۲۴
- ۳- قوهٔ بینایی به‌عنوان استعاره‌ای برای شناخت ..... ۷۲
- ۴- پیام‌ک‌زدنی که اشکال پیدا کرده است ..... ۸۷
- ۵- تصویری سده‌میان‌ه‌ای از محمد نبی و جبرئیل ..... ۱۱۱
- ۶- ال‌هامِ سنتِ متی (۱۶۰۲) اثر کاراواجو ..... ۱۱۴
- ۷- اهمیتِ متون مقدّس و سنتِ تفسیری ..... ۱۲۵
- ۸- مارتین لوتر، در حال ترجمهٔ کتاب مقدّس ..... ۱۳۱
- ۹- بانوی عدالت، (یوستیتیا)، با چشمان بسته ..... ۱۴۲
- ۱۰- بانوی عدالت (یوستیتیا)، با کتاب مقدّس ..... ۱۴۲
- ۱۱- قانون‌گذاری از پشت میز ..... ۱۵۸

## سخن مترجم

موضوع این کتاب اتکای فهم آدمی بر سنت و مرجعیت است که از طریق متون پیشین - و نیز دیگر رسم‌وروال‌های اجتماعی فرهنگی - نسل به نسل گشته و امروز به دست ما رسیده است: فهم با ذهن خالی امکان‌پذیر نیست، بلکه به رسم‌وروال‌های سنتی موجود در فرهنگ یک جامعه متکی است، رسم‌وروال‌هایی که برخی افراد در آن‌ها صاحب‌نظرند و دیگران می‌بایستی برای راهنمایی به آن‌ها رجوع کنند. البته حق افراد برای نوآوری محفوظ است (و چه بسا وظیفه‌شان باشد)، اما این حق منوط به آن است تا ابتدا، از طریق اطلاق یا کاربُرد (که از اصطلاحات و مفاهیم گادامر هستند، یا به زبان علوم شناختی، تجربه بدنمند یا حسی‌حرکتی)، سنت را از آن خود سازند و بعد به صرافت تغییر و تحول در آن بیفتند. مؤلف، در عین استفاده از اصطلاحات و مفاهیم فنی هرمنوتیک فلسفی، به زبانی ساده و روشن، این ادعا را در حوزه‌های مختلف دانش بشری، از علوم انسانی و هنر و الهیات گرفته تا علوم تجربی، بررسی می‌کند و در هر مورد می‌کوشد تا درستی آن را نشان دهد.

به طور سنتی، در حوزه علوم دینی در فرهنگ ما (و اساساً در تمامی حوزه‌های آن، به‌ویژه ادبیات کلاسیک)، نقش سنت و مرجعیت همواره از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است و عالمان دینی همواره در تفکر و مطالعه خود نظرات پیشینیان را مورد توجه قرار می‌داده‌اند، چنان‌که مؤلف نیز در کتاب حاضر در مورد سه دین توحیدی یهودیت، مسیحیت و اسلام نشان داده است. اساساً پیشرفت در یک حوزه معرفتی و طرح نظرات جدید

در آن بدون آگاهی از سنت و از آن خود ساختن سنت امکان‌پذیر نیست. برای نمونه، می‌توان به علم تفسیر قرآن اشاره کرد که بر اساس آن (یا دست‌کم یکی از نظریات مطرح در آن) فهم آیات جز با رجوع به شأن نزول آن‌ها چنان‌که در سنت ثبت و ضبط شده است امکان‌پذیر نیست؛ حتی اگر فردی عادی، بدون هیچ پیش‌زمینه حرفه‌ای مطالعاتی، قرآن را باز کند و سعی در فهم آن داشته باشد، بدون اتکا به سنت، که به طور غیرمستقیم در همان معلومات کنونی‌اش مضمر و نهفته است، قادر به این کار نخواهد بود. همین مطلب در مورد علم فقه نیز صدق می‌کند، که در آن صدور فتوی در مورد مسائل مختلف، چنان‌که مؤلف نیز در فصل مربوط به هرمنوتیک و الهیات بدان می‌پردازد، جز با رجوع به نص قرآن در کنار سنت و حدیث امکان‌پذیر نیست. لذا، فهم، در هر حوزه‌ای، بدون اتکا به سنت مرتبط با آن حوزه امکان‌پذیر نیست؛ و این مطلب، از زندگی روزمره گرفته تا علوم دقیقه تجربی، در تمامی حوزه‌های معرفت انسانی صدق می‌کند.

هم از این‌رو، موضوع این کتاب در واقع تأییدی امروزی و مدرن از آموزه‌ها و رسم‌وروال‌های سنت دینی (و نیز دیگر سنت‌های معرفتی موجود) در فرهنگ ماست، تأییدی که در چارچوب فلسفی مهمی صورت می‌گیرد که یکی از بزرگ‌ترین فلاسفه سده بیستم بانی آن بوده است. وانگهی، چنان‌که اشاره‌های مؤلف در جای جای کتاب نشان می‌دهند، وی مدافع معرفتی است که از طریق متون مذهبی، ادبی و مانند آن‌ها قابل کسب است، در مقابل جو علم‌زده فرهنگ امروزی که جز برای مشاهده تجربی از طریق حواس اعتباری برای دیگر منابع معرفتی قائل نیست، و لذا بخش بزرگی از معرفت بشری را، که از طریق مذهب و متون مذهبی و ادبی قابل اکتساب است و نه مشاهده تجربی حسی از نظر دور می‌دارد. لذا، از این حیث نیز کتاب مزبور نه تنها مغایرتی با آموزه‌های اسلامی ندارد بلکه تأییدی مدرن و امروزی از صحت و اعتبار آن‌هاست، تأییدی که از دریچه هرمنوتیک فلسفی

صورت می‌گیرد. خوانندگان علاقمند به مبحث هرمنوتیک و دین، علاوه بر فصل مربوطه در این کتاب، برای توضیح بیش‌تر می‌توانند به کتاب‌های زیر رجوع کنند:

هرمنوتیک، کتاب و سنت: فرآیند تفسیر وحی، محمد مجتهد شبستری، تهران: انتشارات کتاب رایزن، ۱۳۹۷.

علم هرمنوتیک، ریچارد ا. پالمر، ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی، تهران: نشر هرمس، ۱۳۹۸.



## مقدمه

غرض از نوشتن این کتاب تحقق دو هدف بوده است. هدف نخست آشناساختن خواننده غیرمتخصص با ایده هرمنوتیک به عنوان یک مکتب فکری فلسفی است. برای آن که خواننده را با حوزه هرمنوتیک فلسفی آشنا سازم، خطوط اساسی خاستگاه تاریخی آن را ترسیم کرده‌ام، مهم‌ترین متفکران این حوزه را معرفی نموده و طرحی کلی از ادعاهای اصلی آن به دست داده‌ام. هدف دوم نشان دادن این مطلب است که هرمنوتیک خصیصه‌ای تعریف‌کننده انسانیت ماست و برای تمامی حوزه‌های معرفت انسانی حالتی بنیادین دارد. برای رسیدن به این هدف، نقشی ذاتی را دنبال کرده‌ام که تفسیر در فلسفه، الهیات، هنر، قانون و علم ایفا می‌کند.

نوشتن درآمدی کوتاه - در واقع بسیار کوتاه - نیازمند گزینش است، و گزینش مستلزم حذف. انتخاب من برای نشان دادن نحوه عملکرد هرمنوتیک به معنای نادیده گرفتن برخی موضوعات و مجادلات نظری به سود رسم و روال‌های تفسیری و مثال‌های انضمامی بوده است. هم از این رو، برای خواننده آشنا با هرمنوتیک جای برخی از نقادی‌های معیار در مورد هرمنوتیک که از سوی اِمیلیو بَتّی، کارل-آتو آپل، یورگن هابرماس و پل ریکور مطرح شده‌اند، و یا (سوء)مصادره هرمنوتیک برای پراگماتیسم توسط ریچارد رورتی، در این کتاب خالی خواهد بود. در عوض، تصمیم گرفتم تا این انتقاد گسترده‌تر سَرسری را که هرمنوتیک متضمن نسبی‌باوری است در متن بگنجانم. آن دسته از خوانندگانی که به مرور مختصر مجادلات فلسفی اصلی در مورد هرمنوتیک علاقه‌مندند می‌باید به ضمیمه این کتاب رجوع کنند، که نسبت به بقیه کتاب به سبکی موجزتر و دانشگاهی‌تر نوشته شده

است. افزون بر این، بخش مربوط به مطالعه بیش تر کتاب نیز هدایت کننده خوانندگان علاقه مند به دو مقدمه بسیار خوب و متعارف تر بر هرمنوتیک فلسفی خواهد بود.

تصمیم من برای تمرکز بر معانی ضمنی کاربردی هرمنوتیک انتخاب های موضوعی درون هریک از حوزه های معرفتی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. هم از این رو، برای نمونه در الهیات، مجادلات میان فلسفه و الهیات را از قلم انداخته ام تا در عوض توجه ام را بر روی ارتباط میان نظریه های الهام و سرشت متن متمرکز سازم، که رسم وروال های تفسیری را تعیین می سازند. به دلیلی مشابه، در فصل مربوط به قانون، تصمیم گرفتم تا بر روی موضوعات تفسیری کاربردی متمرکز شوم که از مجادلات عمومی گسترده تر برگرفته شده اند نه آن که تمرکز من را بر روی بدهستان هایی بگذارم که میان فلاسفه حقوق صورت می گیرد. هنگام نوشتن این کتاب، هم خوانندگان عام علاقه مندی را مد نظر داشتم که هیچ گاه نام هرمنوتیک به گوش شان نخورده است، و هم آن دسته از همکاران دانشگاهی ام را که به دنبال متنی مقدماتی می گردند که به دانشجویان شان کمک کند سرشت اساسی و ادعاهای هرمنوتیک را درک و دریافت کنند. رایزنی با هر دو گروه خوانندگان عام و همکاران برای نوشتن این کتاب ضروری بود.

این کتاب را به همسر من سابین تقدیم می کنم، که خوانش صبورانه اش و نقد بی رحمانه برنده و سازنده اش کیفیت کتاب را فراوان بهبود بخشید. همچنین بسیار مدیون ژان گروندن، جان بیر، استیفن دانیگ و رابرت دیدی هستم برای اظهار نظر در مورد نسخه دست نویس این کار. گروه ویراستاری مجموعه درآمدهای بسیار کوتاه آکسفورد و خوانندگان بیرونی نیز در شکل بخشیدن به این مقدمه بر هرمنوتیک بسیار یاری رسان بودند. تمامی کم و کاست ها، همچون همیشه، بر عهده این جانب مؤلف کتاب خواهد بود.

## فصل یکم

### هرمنوتیک چیست؟

هرمنوتیک چیست؟ یک پاسخ ساده این است که هرمنوتیک به معنای تفسیر است. تفسیر در بسیاری از حوزه‌های مطالعاتی و نیز در زندگی هرروزه به وقوع می‌پیوندد. ما نمایشنامه، رُمان، هنر انتزاعی، موسیقی و فیلم، قراردادهای استخدای، قوانین، کتاب مقدس، قرآن و دیگر متون مقدس را تفسیر می‌کنیم؛ اما همچنین کنش‌های دوستان و دشمنان‌مان را نیز تفسیر می‌کنیم، یا می‌کوشیم تا از معنای خاتمه یک شغل در بافت و بستر داستان زندگی خودمان سر در بیاوریم. چگونه و چرا دست به تفسیر می‌زنیم؟ هدف از تفسیر سر درآوردن از یک متن یا موقعیت است، فهمیدن این‌که چه معنایی دارند. به نظر می‌رسد این مطلب حاکی از آن باشد که تفسیر تنها زمانی ضرورت می‌یابد که بی‌درنگ چیزی را نمی‌فهمیم. واقعیت آن‌که در برخی از موارد نیاز به تفسیر آشکارتر به نظر می‌رسد. برای نمونه، بیش‌تر افراد همداستان‌اند که نمایشنامه، رُمان، آیین‌نامه‌های قوانین و مقررات و متون دینی نیاز به تفسیر دارند، ولو آن‌که برخی از بنیادگرایان خوش دارند بر روشنی و وضوح کامل متون دینی صحه گذارند. همچنین می‌پذیریم که دیوان عالی امریکا دست به تفسیر قانون اساسی این کشور بزند.

با این همه، در دیگر حوزه‌های زندگی، نیاز به تفسیر کم‌تر آشکار است. وقتی چراغ راهنمایی قرمز است و توقف می‌کنید، آیا این یک تفسیر است؟

وقتی دانشمندی پژوهش‌های خود را گزارش می‌کند، آیا وی صرفاً آنچه را در طبیعت به وقوع می‌پیوندد تبیین می‌کند یا آن‌که دست به تفسیر طبیعت می‌زند؟ آیا تفسیر - یعنی همان هرمنوتیک - فقط زمانی ضروری است که بدفهمی تلاش برای روشن‌سازی معنا را ایجاد کند؟ این تصور به نظر باورپذیر می‌رسد. از هرچیز که بگذریم، «هرمنوتیک» اغلب به معنای قواعدی تفسیری بوده است که برای روشن‌سازی ساختن پاره‌متن‌های دشوار طراحی شده‌اند. با این‌همه، کتاب پیش‌رو نشان می‌دهد که هرمنوتیک چیزی بیش از اصول یا روش‌هایی تفسیری است که وقتی در درک و فهم بی‌درنگ ناکام می‌مانیم بدان‌ها توسل جوییم. برعکس، هرمنوتیک حتی وقتی معنای آشکار چراغ قرمز را نیز می‌فهمیم پیشاپیش به گونه‌ای ناخودآگاه در کار است. خواهیم دید که هرمنوتیک هنر فهمیدن و فهماندن است. در این کتاب، ما تمرکز خود را بیش‌تر بر روی فهمیدن می‌گذاریم. هرگاه افراد بکوشند تا معنای چیزی را دریابند - خواه مکالمه باشد، مقاله روزنامه، نمایشنامه، شیکسپیر یا شرح وقایع گذشته - در هرمنوتیک درگیر آمده‌اند. این کتاب نشان می‌دهد که هدف هرمنوتیک فهم است، و نیز این‌که اگرچه ممکن است فهم را اصولی تحلیلی هدایت کنند، با این‌همه نمی‌توان آن را به این اصول فروکاست. فهم هنر می‌خواهد و نه علم قاعده‌بنیاد. برای نمونه، کوشش برای فهم این‌که چرا دختری که با خود به مهمانی آورده‌اید با همه می‌رقصد الا شما مستلزم تلاش تفسیری شخصی منحصر به فردی است که از سطح تحلیل منطقی و اصول کلی تفسیری فراتر می‌رود.

همچنین خواهیم دید که فهم چیزی است که از آنچه امروزه معرفت<sup>۱</sup>، یعنی انتقال یا دریافت محض اطلاعات، می‌خوانیم فراتر می‌رود. فهم معرفتی است در این معنای عمیق که فقط به درک و دریافت<sup>۲</sup> بوده‌ها<sup>۲</sup> اشاره ندارد،

---

1. knowledge (یا دانش)

2. facts (یا واقعیت‌ها)

بلکه ادغام آن‌ها در دل کلیتی معنادار را می‌رساند. وقتی واژه «شکستی» را بر روی جعبه‌ای در حال حمل می‌بینید، چرا این جعبه را با دقت بیش‌تری نسبت به دیگر جعبه‌ها جابه‌جا می‌کنید، حتی با وجود این‌که نمی‌دانید داخل آن چیست؟ این از آن‌رو است که واژه مزبور را بلافاصله در دل کلیت معناداری ادغام می‌کنید که از سطح اطلاعات محض فراتر می‌رود، فراتر از صرف تحلیلی زبانی از واژه «شکستی». واژه مزبور را بر اساس تجربه شخصی از زندگی و فهم فرهنگی خود از مال و دارایی تفسیر می‌کنید. هم از این‌رو، هرمنوتیک یا تفسیر به نوعی از فهم اشاره دارد که بر پایه آن حقایق را در دل کلیتی معنادار ادغام می‌کنیم، نوعی عملیات کاربردی<sup>۱</sup> که فراهم‌آورنده معرفت در معنای آشنایی عمیق با چیزی است.

### اصطلاح هرمنوتیک

واژه «هرمنوتیک» ریشه در زبان یونانی دارد (*hermeneuein*) به معنی بیان کردن، توضیح دادن، ترجمه کردن، و نخستین بار از سوی متفکرانی به کار رفت که در مورد چگونگی بیان پیام‌های خدایان یا ایده‌های ذهنی به زبان بشری بحث می‌کردند. برای نمونه، فیلسوف یونان باستان افلاطون (۴۲۷-۳۴۷ پم) واژه هرمنوتیک را هنگام پرداختن به شعرا در مقام «هرمنوت‌های امر الوهی»<sup>۲</sup> به کار می‌برد، و شاگرد وی ارسطو (۳۸۴-۳۲۲ پم) نخستین رساله به جامانده در باب هرمنوتیک را به نگارش درآورد، رساله‌ای که در آن وی نشان می‌دهد چگونه گفته‌های شفاهی و مکتوب بروز و ظهور افکار درونی ما هستند. بدین‌سان، اصطلاح *hermeneuein* در کنار برابر نهاده لاتین بعدی خود "interpretari"، از همان نخستین ظهور خود با کار فهم گونه‌ای ارتباط گفتاری یا نوشتاری در پیوند بود.

1. practical

2. "hermeneuts of the divine"

واژه هرمنوتیک همچنین با خدای بال‌دار پیام‌رسان، هرمس، نیز در پیوند بوده است (بنگرید به شکل ۱). در اسطوره‌های یونانی، هرمس خبرهای خدایان را برای آدمیان بازگو می‌کند. اگرچه شواهد ناچیزی برای این ریشه‌شناسی هنوز رایج وجود دارد که واژه هرمنوتیک از هرمس مشتق شده است، با این‌همه هرمس مثال سودمندی برای تعریف ما از هرمنوتیک به‌دست می‌دهد. تفسیر حقیقتاً مستلزم رمزگشایی از پیام‌های ناروشن است. تفسیر اساساً کنشی میانجی‌گرانه، یا نوعی ترجمه، است، و هرمس، که چونان سخنگویی فصیح و حيله‌گری مکار نیز مورد توصیف قرار می‌گرفت، نیاز به ترجمه ارتباطات دشوار را نمودار می‌سازد. هرمس یادآوری می‌کند که تفسیر هم شامل درک و دریافت آن‌چه کسی گفته است می‌شود (دریافت پیام) و هم فهماندن مقصود خود را دربردارد (فرستادن پیام). در این کتاب ما به تقریب به‌طور دربست تمرکز خود را بر روی نخستین جنبه مربوط به دریافت ارتباطات از رهگذر متن خواهیم گذاشت. چهره الوهی هرمس رساننده این مطلب است که تمنای ما برای درک و دریافت معنای اگزستانسیال آن‌چه برای فهمش می‌کوشیم نیروی محرک تفسیر را فراهم می‌آورد. به‌قول مارتین هایدگر فیلسوف (۱۸۸۹-۱۹۷۶)، که چهره مهمی برای هرمنوتیک مدرن به‌شمار می‌رود، «هرمس پیام‌رسان خدایان است. وی پیام سرنوشت را می‌آورد.» برای هایدگر، هرمنوتیک آن نوع از تفسیر بود که گوش به پیامی مهم یا اعلانی حائز اهمیت حیاتی می‌سپارد. مقصود هایدگر این است که تفسیر از سوی علایق و دغدغه‌های شخصی ما انگیزه دریافت می‌دارد. خواه کتاب مقدس را بخوانم، یا قراردادی کاری، یا بکوشم بفهمم چرا دوستم هفته‌ها است که به من سر نزده، خواهان آن‌ام تا از «سرنوشت» ام باخبر شوم، یعنی دریابم این متون و کنش‌ها برای من چه معنایی دارند. به عبارتی دیگر، تفسیر را دغدغه‌های حال حاضر من هدایت می‌کنند، یا خواست و تمنا برای شنیدن اعلانی که به وضعیت کنونی من مربوط می‌شود.



۱- هرمس، پیام‌رسان خدایان، تصویر شده بر روی گلدانی یونانی حدود ۵۰۰-۴۵۰ پیش از میلاد. هرمس با کفش‌های بالدار، با درفش قاصدان و کلاه و شنل.

## هرمنوتیک و جست‌وجوی خودفهمی

هدف هرمنوتیک از زمان پیدایش آن در یونان باستان این بوده است تا برای خاطر حکمت<sup>۱</sup> به کشف حقیقت درباره خود ما و جهانی پردازد که در آن سکنی گزیده‌ایم. فلاسفه، به‌ویژه در روزگار باستان، این‌طور استدلال می‌کردند که کشف سرشت امور باید فهم‌مان را از کیستی‌مان ارتقا بخشد و نیز فهم‌مان را از این موضوع که در مقام موجودات انسانی چگونه باید زندگی کنیم. آنان این‌طور می‌آموزاندند که کل فهم در نهایت خودفهمی است. برای نمونه، افلاطون در مکالمه‌های فلسفی خود این‌طور تعلیم می‌داد که معرفت انسانی عمدتاً به فهم خویشتن و شکل‌گیری اخلاق برمی‌گردد. در مکالمه‌های افلاطون، چهره سقراط مظهر این نگرش فلسفی است. در دفاعیه سقراط، که شامل دفاعیات وی در طول محاکمه‌اش به اتهام فاسدکردن جوانان آتنی می‌شود، سقراط والاترین هدف زندگی را روح‌وجانی اعلام می‌کند که از رهگذر خودنگری عقلانی با حکمت و فضیلت کمال یافته باشد. وی این‌طور اظهار می‌کند که «زندگی نابرسیده حیاتی انسانی نیست.»

برخلاف گرایش امروزی ما به بی‌اعتقادی به فلسفه، دین و شعر به‌عنوان منابعی از برای معرفت واقعی، جهان باستان این حوزه‌ها را حاملانی مهم برای آرمان‌های اخلاقی به‌شمار می‌آورد. برای نمونه، تصور بر این بود که اشعار هومر شجاعت و جدوجهد برای توفیق و تعالی را می‌آموزاند، در عین آن‌که از غرور نیز بر حذر می‌دارند. ارسطو به‌گونه‌ای معروف این‌طور استدلال می‌کرد که شعر از تاریخ والاتر است، چه شعر از بوده‌های محض تاریخی فراتر می‌رود تا هدف رشد و پرورش انسانی را به‌تصور درآورد و حقیقت‌های اخلاقی جهان‌شمول را استنتاج کند. شعر در این خصیصه ممتاز

با سخنوری<sup>۱</sup>، فن<sup>۲</sup> اقناع بر پایه برهان آوریِ مجاب‌کننده، انباز بود. هم افلاطون و هم ارسطو این خطرِ نهفته در سخنوری را بازمی‌شناختند که ممکن است فن<sup>۳</sup> مزبور به بهای نادیده‌انگاشتن حقیقت به ورطه بهانه‌آوری‌های عاطفی یا هنرنمایی کلامی برای پیروزی در یک استدلال درغلند. با این همه، متفکران باستان به‌طور کلی بر این باور بودند که هدف راستین سخنوری دست‌یابی به حقایق ژرف دربارهٔ موقعیت آدمی و آموزش آن‌ها است. یکی از پرسش‌هایی که ما خواهیم کوشید در این درآمد بر هرمنوتیک بدان پاسخ گوئیم این است که چرا هنر، شعر و سخنوری تا سدهٔ هفدهم میلادی جهت تعیین موقعیت آدمی منابعی مهم برای کسب معرفت به‌شمار می‌رفتند، حال آن‌که بسیاری از متفکران امروزی بدان گرایش دارند تا آن‌ها را کنار بگذارند.

### هرمنوتیک در مقام رشته‌ای فلسفی

تا این‌جا ما هرمنوتیک را به‌عنوان فعالیت انسانی بنیادینی برای تفسیر تعریف کرده‌ایم که با فهم معنای ارتباط یا موقعیت‌های زندگی سروکار دارد. با این همه، واژهٔ «هرمنوتیک» معنای دومی نیز دارد. هرمنوتیک همچنین نام رشته‌ای فلسفی نیز هست که به تحلیل شرایط فهم می‌پردازد. برای نمونه، فلاسفهٔ هرمنوتیک به بررسی این موضوع می‌پردازند که چگونه سنت‌های فرهنگی ما، زبان ما و سرشت ما به‌عنوان موجوداتی تاریخی فهم را امکان‌پذیر می‌سازند. هرمنوتیک فلسفی آسلاف بسیاری دارد، اما در سدهٔ بیستم به‌عنوان رشته‌ای مستقل با انتشار کتاب هانس-گئورگ گادامر، حقیقت و روش<sup>۴</sup> (۱۹۶۰)، پدیدار گشت، کتابی که عنوان فرعی آن «خطوط اساسی فلسفهٔ هرمنوتیکی» بود. گادامر فلسفهٔ هرمنوتیکی خود را از طریق تعامل با شماری از چهره‌های اصلی در تاریخ هرمنوتیک پروراند که ما نیز در این

1. rhetoric

2. Truth and Method

کتاب مورد بحث قرار خواهیم داد: فریدریش دانیل اشلایرماخر، ویلهلم دیلتای، مارتین هایدگر، رودلف بولتمان و پُل ریگور.

مهم است که از همین آغاز این نکته را روشن سازیم که هرمنوتیک فلسفی نظریه خاصی در باب معرفت نیست. نظریه می‌کوشد تا به جداسازی روش‌های تفسیر پردازد و بدین‌سان به اصولی تنظیم‌کننده دست یابد که امکان می‌دهند تولید معنا را تحت کنترل درآوریم. برای نمونه، نظریه‌ای در باب تفسیر حقوقی خواهد کوشید قواعدی برای تفسیر متون حقوقی برقرار سازد. به نحوی مشابه، نظریه‌ای ادبی در باب تفسیر، مانند نظریه‌ای فمینیستی یا مارکسیستی، اصولی را برای قاعده‌مندسازی خوانش‌مان از متون ادبی تجویز خواهد کرد. در این معنا، نظریه‌ها هدفی کاربردی و عملی دارند. شکی نیست که تمامی حوزه‌های معرفت، خواه علوم انسانی یا علوم طبیعی، شیوه مشخصی از شناخت را نمودار می‌سازند، و هم از این‌رو روش‌شناسی ویژه‌ای را دنبال می‌کنند که با موضوع خاص مورد مطالعه آن‌ها همخوانی دارد. با این همه، رشته فلسفی هرمنوتیک روشی نیست که هدف عملی خاص یا خوانش ویژه‌ای را نشانه رود. برعکس، فلاسفه هرمنوتیکی به فهم به‌ماهو فهم علاقه‌مندند: این‌که چگونه و تحت چه شرایطی فهم به‌وقوع می‌پیوندد؟ هرمنوتیک فلسفی، به تعبیر خود گاذامر، با «فهم فهم» سروکار دارد. هرمنوتیک، در مقام رشته‌ای فلسفی به بررسی و توصیف آنچه هنگام وقوع هرگونه فهمی اتفاق می‌افتد می‌پردازد.

### فهم چیست؟

متفکران هرمنوتیکی این‌طور استدلال می‌کنند که فهم همان کنش تفسیری ادغام امور جزئی نظیر واژه‌ها، نشانه‌ها و رویدادها در دل کلیتی معنادار است. ما زمانی شیء، واژه یا بوده‌ای را می‌فهمیم که این‌ها در چارچوب بافت و بستر زندگی خودمان درک‌پذیر و مفهوم باشند و به‌طرزی معنادار با ما

ارتباط برقرار کنند. وقتی اشیاء، متون یا موقعیت‌ها را بدین شیوه فهم می‌کنیم، این امور به بخشی از جهان ذهنی ما تبدیل می‌شوند، به گونه‌ای که می‌توانیم آن‌ها را دوباره در قالب واژه‌های خودمان بیان کنیم. چنان‌چه، برای نمونه، اگر فقط واژه‌های شعری را از حفظ تکرار کنیم، شعر را نفهمیده‌ایم؛ بلکه زمانی فهم از خود نمودار می‌سازیم که به طرزی معنادار واژه‌های شعر را با آهنگ بخوانیم و قادر باشیم ایده‌های شعر را به زبان خودمان بیان کنیم.

متفکران هرمنوتیکی بر این باورند که در بیش‌تر موارد فهم در مقام این نوع از ادغام و یکپارچه‌سازی به‌طور ناخودآگاه اتفاق می‌افتد، چه ما پیشاپیش در محیط فرهنگی‌آشنایی تکاپو داریم که در چارچوب آن واژه‌ها و اشیاء را در بافت و بستر معنایی پیش‌مقرر ادراک می‌کنیم. فرهنگ مُدرن امروزی بدان گرایش دارد تا این‌طور فکر کند که معرفت واقعی منوط به کمی‌سازی است، بدین معنا که شامل توصیف عددی و علمی از امور جهان می‌شود. بر اساس این شرح، حقیقت عینی مستلزم موضعی غیرشخصی و نظری نسبت به امور است. برخلاف آنان، فلاسفه هرمنوتیکی این‌طور احتجاج می‌کنند که شیوه ابتدایی و آغازین ادراک ما نه نظری بلکه عملی است، و به تمثیلات و علایق کنونی‌مان بستگی دارد.

لحظه‌ای تصور کنید که می‌خواهید در کنسرت یا نمایشی حضور پیدا کنید. پس از پارک کردن ماشین و پیاده طی کردن شش خیابان در عصری سرد و بارانی، و در حالی که نیم‌ساعت دیگر را نیز در صف گذرانده‌اید، چشم‌تان به صندلی‌های سالن نمایش می‌افتد. صندلی برای شما شیئی بی‌معنا برای مشاهده خشی و بی‌طرفانه به نظر نمی‌رسد، بلکه چونان محل راحتی پدیدار می‌شود که می‌توانید روی آن استراحت کنید و بدن کوفته خود را ضمن لذت‌بردن از اجرای موردانتظار گرم کنید. این صندلی را نخست از موضعی کاملاً عینی بر حَسَب مواد و مصالح ترکیبی آن یا اندازه‌هایش ادراک نمی‌کنید. چنین موضعی نظری شیوه ابتدایی و آغازین ادراک ما نیست، بلکه

راه‌روشی ثانوی و غیرعادی برای نگرستن به امور است که وقتی آن را در پیش می‌گیریم که چیزی را از بافت و بستر تجربه‌مان انتزاع کرده باشیم تا جداگانه به مطالعه آن پردازیم. چنان‌چه، برای نمونه، همچنان‌که نشسته‌ایم صندلی زیرمان می‌رُنبید و فرومی‌افتاد، تنها در این صورت بود که نگرشی علمی اتخاذ می‌کردیم و به بررسی صندلی می‌پرداختیم تا ساختار آن و دلایل نقصان در کارکردش را مشخص سازیم.

اگر در این باور که فهم عملی مزبور شیوه ابتدایی و آغازین ما در ادراک است حق با فلاسفه هرمنوتیکی باشد، در این صورت شیوه‌ای که بر پایه آن جهان را معنادار ادراک می‌کنیم به تجربه ما از هنر نزدیک‌تر از آزمون علمی است. وقتی، برای نمونه، از اجرایی از نمایشنامه هملت شیکسپیر لذت می‌بریم، یا متن این نمایشنامه را مطالعه می‌کنیم، به گونه‌ای شمی‌شهودی درک می‌کنیم که نه با واقعیت معاصر بلکه با نمایشنامه‌ای مواجه هستیم که از دل محیط اجتماعی و سیاسی انگلستان قدیم برخاسته است. اگر منتقدانی حرفه‌ای بودیم، حتی می‌توانستیم زبان باستانی این نمایشنامه، تلویحات فراموش‌شده و جناس‌های واژگانی‌اش را نیز تحلیل کنیم، کاری که درک‌مان از دینامیسم درونی نمایشنامه را ژرفا می‌بخشید. با این همه، و رای هر کدام از این جزئیات، از نمایشنامه لذت می‌بریم و چه بسا به سوی مطالعه‌ای عمیق‌تر درباره آن سوق می‌یابیم، چه شیکسپیر با ما ارتباط برقرار می‌کند. به درون نمایشنامه کشیده می‌شویم، چراکه درباره موقعیت انسانی کنونی‌مان چیزهایی به ما می‌گوید، با عواطف و وضعیت‌هایی که پیشاپیش برایمان آشنا هستند. هملت با ما از خیانت، فرصت‌طلبی و عشق‌های دروغین سخن می‌گوید. *اوتکو* ما را با تراژدی اعتماد نابه‌جا و قدرت حسادت روبه‌رو می‌سازد. چنان‌که در فصل‌های پیش‌رو خواهیم دید، متفکران هرمنوتیکی، این‌طور استدلال می‌کنند که توانایی ما برای فهم نمایشنامه‌ای متعلق به تقریباً ۴۰۰ سال پیش به شیوه‌ای مربوط می‌شود که بر پایه آن موقعیت انسانی، تاریخ، سنت و به‌ویژه زبان‌مان ما را قادر می‌سازند تا چنین نمایشنامه یا متنی را از گذشته پذیرا شویم.